



شماره ثبت: ۳۱۶۵

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	نوحه برای میت
۲	بررسی ادله روایات
۲	روایت اول
۲	روایت دوم
۳	بررسی روایت از لحاظ سند
۳	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۴	روایت سوم
۴	بررسی روایت از لحاظ سند
۴	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۵	روایت چهارم
۵	بررسی روایت از لحاظ دلالت

نوحه برای میت

همان‌طور که عرض کردیم نوحه برای میت که همان شیون و زاری در قالب شعر و ... مورد اختلاف بین شیعه و سنی است. مشهور بین عامه، حرمت نوحه بر میت است. البته در بخشی از اهل تسنن جواز داده شده است. اما در نقطه مقابل در خاصه، شیون و زاری برای میت، جواز داده شده است. البته گاهی با کراهت همراه است و گاهی نیز کراهت برایش ذکر نشده است.

این بحث در ذیل بحث عزاداری برای میت قرار می‌گیرد. عزاداری بر میت انواع و اقسامی دارد، گریه، لطمه زدن به خود، اقامه مجلس و ... از اقسام عزاداری هستند.

بررسی ادله روایات

روایت اول

اولین روایت گروه مجوزه است. این روایت نوحه‌سرایی را تجویز می‌کند و به شکلی دلالت بر رجحان می‌کند.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي أَبِي يَا جَعْفَرُ أَوْقِفْ لِي مِنْ مَالِي كَذَا وَ كَذَا لِتَوَادِبِ تَنْدُبِنِي عَشْرَ سِنِينَ بِمَنَى أَيَّامٍ مَنَى»^۱

روایت دوم

«وَبِالإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَاتَ الْوَلِيدُ بْنُ الْمُغِيرَةِ - فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ لِلنَّبِيِّ ص إِنَّ آلَ الْمُغِيرَةِ - قَدْ أَقَامُوا مَنَاحَةً فَأَذْهَبْ إِلَيْهِمْ فَأَذِنَ لَهَا «۴» فَلَبَسَتْ ثِيَابَهَا وَ تَهَيَّأَتْ وَ كَانَتْ مِنْ حَسَنِهَا كَانَتْهَا جَانٌّ وَ كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فَأَرْحَتْ شَعْرَهَا جَلَّلَ جَسَدَهَا وَ عَقَدَتْ بِطَرْفَيْهِ خَلْخَالَهَا فَتَدَبَّتْ ابْنَ عَمَّهَا بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص - فَقَالَتْ

أَنْعَى الْوَلِيدَ بْنَ الْوَلِيدِ أَبَا الْوَلِيدِ فَتَى الْعَشِيرَةِ

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۵.



شماره ثبت: ۳۱۶۵

حَامِي الْحَقِيقَةِ مَا جِدَّ يَسْمُو إِلَى طَلَبِ الْوَتِيرَةِ

قَدْ كَانَ غَيْثًا فِي السَّنِينِ وَ جَعْفَرًا غَدَقًا وَ مِيرَةً

- فَمَا عَبَّ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَلِكَ وَ لَا قَالَ شَيْئًا.^۱

در این روایت حضرت اجازه عزاداری به شخص می‌دهد. البته گویا در محضر رسول گرامی اسلام (ص) عزاداری انجام می‌دهد. حضرت نیز عیبی بر وی نگرفت.

بررسی روایت از لحاظ سند

سند کاملاً معتبر است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

نکاتی در دلالت وجود دارد:

۱. وجه دلالت همان سیره است. یعنی تقریر حضرت است که جزء سنت به حساب می‌آید. چون امام (ع) نیز آن را بیان می‌کند، تأکد دلالت بر جواز می‌کند.
۲. نکته‌ی دیگر روایت این است که تنها حکم جواز استفاده می‌شود و چیزی فراتر از جواز را بیان نمی‌کند. این روایات اباحه به معنای مطلق را دلالت می‌کند.
۳. نکته دیگر این است که شاید اجازه رسول (ص) به ام سلمه به خاطر ضرورت و عناوین دیگر است. همان‌طور که قبلاً بیان کردیم، حکم اولی را ما مدنظر می‌گیریم. علی‌الخصوص در اینجا که امام (ع) این روایت را بیان می‌کند. اگر در نقل تاریخی معتبر می‌خواندیم، این احتمال شاید قابل‌تأمل بود. شاید می‌گفتیم که نه هنوز تمام قوانین اسلام اعلام نشده است.
۴. نکته دیگر این است که ندبه و مناچه در روایت آمده است. ندبه و مناچه، شیون زدن است. دلالت این روایت بر جواز مناچه، واضح‌تر از دلالت روایت اول است. زیرا در روایت اول، در مورد امام (ع) است. اما این روایت در مورد پسر عم ام سلمه است.

^۱- همان، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

روایت سوم

»

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ جَمِيعاً عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: كَانَتْ امْرَأَةً مَعَنَا فِي الْحَيِّ وَ لَهَا جَارِيَةٌ نَائِحَةٌ فَجَاءَتْ إِلَى أَبِي فَقَالَتْ يَا عَمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَعِيشَتِي مِنَ اللَّهِ ثُمَّ مِنْ هَذِهِ الْجَارِيَةِ فَأُحِبُّ أَنْ تَسْأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ حَلَالاً وَ إِلَّا بَعَثْتُهَا وَ أَكَلْتُ مِنْ ثَمَنِهَا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِالْفَرَجِ فَقَالَ لَهَا أَبِي وَ اللَّهُ إِنِّي لَأُعْظِمُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ قَالَ فَلَمَّا قَدِمْنَا عَلَيْهِ أَخْبَرْتُهُ أَنَا بِذَلِكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَتَشَارِطُ فَقُلْتُ وَ اللَّهُ مَا أَذْرِي تَشَارِطُ أَمْ لَا فَقَالَ قُلْ لَهَا لَا تَشَارِطُ وَ تَقْبَلُ مَا أُعْطِيَتْ.»^۱

ایشان نقل می‌کند، در منطقه ما زنی بود، زن کنیزی داشت، کنیز ندبه برای دیگران می‌کرد. این خانم پیش سدیر آمد و گفت که زندگی من به واسطه همین کنیز انجام می‌شود. این کنیز در مجالس عزا می‌رود و کسب می‌کند و من با درآمد وی زندگی می‌کنم. این خانم به سدیر می‌گوید، از امام صادق (ع) سؤال کن که آیا این جایز است یا خیر؟ اگر حرام است، کنیز را می‌فروشم و از ثمره آن زندگی می‌کنم. سدیر می‌گوید که من خجالت می‌کشیدم از بیان کردن این مطلب، پسرم این سؤال را از حضرت پرسید، امام (ع) نیز سؤال می‌کند وقتی خانم ناحه را انجام می‌دهد، آیا قرارداد می‌بندد؟ پسر می‌گوید نمی‌دانم. امام (ع) می‌فرماید به خانم بگو: شرط نکن، توافق نکن و آنچه به او داده می‌شود را بپذیر.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت دو سند دارد. یک سند علی بن ابراهیم عن ابیه است. و سند دیگر محمد بن یحیی از احمد بن محمد و محمد بن اسماعیل است. هر دو نفر از حنان بن سدیر نقل می‌کنند. هر دو سند معتبر است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در دلالت این روایت چند نکته وجود دارد:

^۱ - همان، ص ۱۲۶.



شماره ثبت: ۳۱۶۵

۱. پاسخ امام (ع) تفصیل است. نهی حضرت بر عقد قرارداد آمده است. یعنی نهی بر تکسب عمل آمده است. خود عمل منع نشده است. ظاهر روایت این است که عمل حرام نیست. عمل ندبه و نوحه‌سرایی به دلالت التزامی، جایز است.

البته باید توجه داشت که هر کاری جایز باشد، تکسب به آن جایز است. هر کاری حرام باشد، تکسب به آن حرام است. در اینجا امام (ع) عقد قرارداد را منع کرده‌اند و قائل به تفصیل شده‌اند.

۲. احتمال دوم این است که بگوییم قاعده به هم نخورده است. بلکه اصلاً خود عمل حرام است. پول گرفتن برای آن نیز حرام است و فقط هدیه گرفتن مشکلی ندارد. «لَا تُشَارِطُ» چون در روایت آمده است می‌توانیم بگوییم که نهی از عمل است. بین این دو احتمال ترجیح واضحی نیست. اگر احتمال اول باشد، روایت دلالت بر جواز می‌کند و اگر احتمال دوم باشد، روایت دلالت بر حرمت می‌کند.

روایت چهارم

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ غَدَافِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ سُئِلَ عَنْ كَسْبِ النَّائِحَةِ فَقَالَ تَسْتَحِلُّهُ بِضَرْبِ إِحْدَى يَدَيْهَا عَلَى الْأُخْرَى.»^۱

از امام (ع) سؤال شد که حکم کسی که بر میت نوحه‌سرایی می‌کند چیست؟ حضرت (ع) در اینجا نیز جواب مستقیم نداده‌اند. اگر بخواهد این کسب جایز بشود، باید دستش را به دست بزند. نوحه‌سرایی و شیون اشکال دارد اگر می‌خواهد حلال بشود دست به دست بزند تا پول در مقابل عمل‌های دیگر باشد.

این روایت سنداً معتبر است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

این روایت دلالت بر حرمت می‌کند. اینکه در روایت می‌گوید با عمل دیگر کسب را حلال بکند یعنی خود کسب عمل حرام است. در نتیجه عمل، جایز نیست.

^۱ - همان.



شماره ثبت: ۳۱۶۵

امام (ع) با این پیشنهاد می‌خواهند مال شخص را حلال بکنند. نه اینکه حرمت را از عمل بردارند.

این روایت دلالت بر منع می‌کند.